

سؤال: دلیل غیبت امام زمان صلوات الله علیه چیست؟

پاسخ:

علت اصلی غیبت امام زمان صلوات الله علیه سری از اسرار الهی است و مردم از آن اطلاعی ندارند؛ همان طوری که در روایات آمده است:

شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع نقل می‌کند:

عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول إن لصاحب هذا الامر غيبة لا بد منها يرتاب فيها كل مبطل فقلت له ولم جعلت فداك قال لأمر لم يؤذن لنا في كشفه لكم قلت فما وجه الحكمة في غيبته قال وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى ذكره ان وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لا ينكشف وجه الحكمة لما أتاه الخضر عليه السلام من خرق السفينة وقتل الغلام وإقامة الجدار لموسى عليه السلام إلا وقت افتراقهما يا بن الفضل ان هذا الامر أمر من أمر الله وسر من سر الله وغيب من غيب الله ومتى علمنا أنه عز وجل حكيم صدقنا بان أفعاله كلها حكمة وإن كان وجهها غير منكشف لنا

عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: همانا برای صاحب الامر غیبتی تخلف ناپذیر است، به طوری که اهل باطل در آن تردید می‌کنند، عرض کردم یا بن رسول الله چرا غیبت می‌کند، فرمود به علتی که به ما اجازه نداده‌اند آشکار سازی، عرض کردم: چه حکمتی در غیبت او است؟ فرمود همان حکمتی که در غیبت حجّت‌های پیش از او بوده است، حکمت غیبت قائم بعد از آمدن خود او ظاهر می‌شود، چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر و کشتن آن بچه و تعمیر دیوار برای حضرت موسی علیه السلام ظاهر نگشت مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند.

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۶

همان طور که در روایت گذشت دلیل اصلی غیبت حضرت صلوات الله علیه از اسرار الهی است و اهل بیت علیهم السلام اجازه آشکار کردن آن را نداشته‌اند؛ اما همان طور که در روایت مشخص است، حکمت‌های غیبت از اسرار نیست و اهل بیت علیهم السلام می‌توانند آن را آشکار کنند؛ اگرچه حضرت در این روایت برای راوی حکمت‌ها را بیان نکرده است؛ اما در روایات دیگری این حکمت‌ها بیان شده است که به آن‌ها می‌پردازیم:

اجرای سنن انبیاء در مورد امام زمان صلوات الله علیه:

یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان صلوات الله علیه اجرای سنن انبیاء گذشته در مورد امام زمان صلوات الله علیه است؛ همان طور که شیخ صدوق از امام صادق نقل می‌کند:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال إن للقائم منا غيبة يطول أمدھا فقلت له يا ابن رسول الله ولم ذلك قال لان الله عز وجل أبقى إلا أن تجري فيه سنن الأنبياء عليهم السلام في غيبتهم وإنه لا بد له يا سدير من استيفاء مدد غيبتهم قال الله تعالى لتركبن طبقا عن طبق أي سنن من كان قبلكم

حنان بن سدير از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: برای قائم ما غیبتی است که مدت آن طولانی می‌شود، گفتم: ای فرزند رسول خدا علت آن چیست؟ حضرت فرمود: خداوند عزوجل، می‌خواهد درباره او سنت‌های پیامبران علیهم السلام را در غیبت‌هایشان جاری سازد، ای سدير! گریزی از آن نیست که مدت غیبت‌های آن‌ها به سر آید، خداوند عزوجل فرمود: همانا، همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید؛ یعنی سنت‌های پیشینیان، درباره شما هم جاری است.

کمال الدین وتمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۴۸۰ و ۴۸۱

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۵

نبودن بیعت ستمگران بر گردن حضرت:

یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان صلوات الله علیه نبودن بیعت حکومت‌های ظالم و فاسد بر گردن حضرت صلوات الله علیه است که در روایات بیان شده است.

شیخ صدوق چنین نقل می‌کند:

عن أبي الحسن علي ابن موسى الرضا عليه السلام أنه قال كَأني بالشَّيعة عند فقدهم الثالث من ولدي يطلبون المرعى فلا يجدونه قلت له ولم ذلك يا بن رسول الله قال لان إمامهم يغيب عنهم فقلت ولم قال لئلا يكون في عنقه لاحد حجة إذا قام بالسيف

حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمودند: گویا شیعه را می‌بینم، آن زمان که سومین نفر از فرزندانم را نمی‌یابند و به دنبال این هستند که کسی امور آنان را به دست گیرد و شؤون‌شان را تدبیر نماید ولی او را نمی‌یابند، عرض کردم چرا یا ابن رسول الله؟ حضرت فرمودند زیرا امام‌شان غائب می‌گردد، عرض کردم چرا؟ فرمودند زیرا در هنگام قیام، بیعت کسی در گردن او نباشد.

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۵

در روایت دیگری در کتاب کمال الدین آمده است:

عن إسحاق بن يعقوب قال سألت محمد بن عثمان العمري رضي الله عنه أن يوصل لي كتابا قد سألت فيه عن مسائل أشكلت علي فورد التوقيع بخط مولانا صاحب الزمان عليه السلام... وأما علة ما وقع من الغيبة فإن الله عز وجل يقول يا أيها الذين آمنوا لا تسئلوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤكم إنه لم يكن لأحد من آبائي عليهم السلام إلا وقد وقعت في عنقه بيعة لطاغية زمانه وإني أخرج حين أخرج ولا بيعة لأحد من الطواغيت في عنقي
از اسحاق بن يعقوب نقل شده است که این مطلب از ناحیه مقدس امام عصر صلوات الله علیه به واسطه علی بن محمد بن عثمان وارد شد: و اما علت وقوع غیبت این است که خداوند عزوجل می‌فرماید: ای کسانی که

ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند، بر گردن همه پدرانم، بیعت سرکشان زمانه بود، اما وقتی که من خروج کنم، بیعت هیچ ظالم سرکشی بر گردنم نیست.

کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۴۸۵

مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه نقل می‌کند:

إن القائم منا إذا قام لم يكن لأحد في عنقه بيعة فلذلك تخفى ولادته و يغيب شخصه

قائم ما زمانی که قیام می‌کند بیعت هیچ کسی بر گردنش نیست؛ به خاطر همین ولادتش مخفی است و خودش غائب است.

کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۳۰۳

خالی شدن صلب‌های کافران از مؤمنان:

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت امام زمان صلوات الله علیه این است که حضرت زمانی ظهور می‌کند که مؤمنان از صلب کافران خارج شوند و در این هنگام ظهور اتفاق می‌افتد.

شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع نقل می‌کند:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت له ما بال أمير المؤمنين عليه السلام لم يقاتل فلانا وفلانا وفلانا قال لآية في كتاب الله عز وجل لو تزيلوا لعذابنا الذين كفروا منهم عذابا أليما قال قلت وما يعني بتزايهم قال ودائع المؤمنين في أصلاب قوم كافرين وكذلك القائم صلوات الله عليه لن يظهر أبدا حتى تخرج ودائع الله تعالى فإذا خرجت ظهر على من ظهر من أعداء الله فقتلهم

ابن ابی عمیر، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که از ایشان پرسیدم چرا امیرالمؤمنین علیه السلام در ابتدای امر با مخالفان خود نجنگید، فرمود: به جهت آیه‌ای که در قرآن است: اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می‌شدند، همانا کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم، گفتم: مقصود از جدا شدن چیست؟

فرمود: مقصود نطفه‌های مؤمنانی است که در صلب‌های کافران به ودیعت گذاشته شده‌اند؛ همین طور قائم هم مادامی که ودایع خداوند عزوجل آشکار نشده، ظهور نخواهد کرد، پس وقتی مؤمنان از صلب‌های کافران، آشکار شدند، او نیز ظهور می‌کند و بر دشمنان خداوند عزوجل غلبه یافته و آنان را می‌کشد.

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۱۴۷

امتحان مردم:

یکی از حکمت‌هایی که برای غیبت امام زمان صلوات الله علیه بیان شده است این است که خداوند برای امتحان مردم حضرت را از دیدگان غایب کرده است.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین نقل می‌کند:

عن زرارة بن أعین قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام يقول إن للغلام غيبة قبل أن يقوم قلت ولم ذلك جعلت فذاك فقال يخاف وأشار بيده إلى بطنه وعنقه ثم قال عليه السلام وهو المنتظر الذي يشك الناس في ولادته فمنهم من يقول إذا مات أبوه مات ولا عقب له ومنهم من يقول قد ولد قبل وفاة أبيه بسنتين لان الله عز وجل يحب أن يمتحن خلقه فعند ذلك يرتاب المبطلون

زرارة بن اعین گوید: از امام صادق شنیدم که می‌فرمود: همانا برای قائم غیبتی است سپس فرمود: او منتظری است که مردم در ولادتش به شک و تردید می‌افتند و بعضی می‌گویند زمانی که پدرش رحلت کرد، فرزندی برای او نبود و بعضی گویند دو سال قبل از وفات پدرش متولد شده است؛ زیرا خداوند عزوجل، دوست دارد که بندگان را امتحان کند و در این امتحان، باطل جویان شک و تردید می‌کنند.

کمال الدین وتمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۳۴۶

شیخ صدوق در روایت دیگری نقل می‌کند:

عن موسى بن جعفر عليه السلام قال إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في أديانكم لا يزيلكم أحد عنها يا بني انه لابد لصاحب هذا الامر من غيبته حتى يرجع عن هذا الامر من كان يقول به إنما هي محنة من الله عز وجل امتحن بها خلقه

زمانی پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غائب شود، بر دین تان مواظب باشید تا کسی دین تان را از شما نگیرد، فرزندم، به ناچار صاحب این امر (امام زمان صلوات الله علیه) دارای غیبت است تا این که برخی افراد که قائل به این صاحب این امر هستند از او روی گردان می شوند، قطعاً این امتحانی است که خداوند به وسیله آن بندگانش را آزمایش می کند.

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۴

مشخص شدن گمراهان:

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت امام زمان صلوات الله علیه مشخص شدن افراد گمراه است؛ همان طور که مرحوم نعمانی در کتاب الغيبة خود چنین نقل می کند:

عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام قال زاد الفرات على عهد أمير المؤمنين عليه السلام فركب هو وابناه الحسن والحسين عليهما السلام فمر بثقيف فقالوا قد جاء علي يرد الماء فقال علي عليه السلام أما والله لأقتلن أنا وابنائي هذان وليبعثن الله رجلا من ولدي في آخر الزمان يطالب بدمائنا وليغيبن عنهم تمييزاً لأهل الضلالة حتى يقول الجاهل ما لله في آل محمد من حاجة

امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل فرمودند که در زمان خلافت امیر المؤمنین علیه السلام آب فرات بالا آمد، پس آن حضرت و دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلام سوار شدند، چون گذارشان بر طایفه ثقیف افتاد آنان گفتند علی آمده است آب را فرو نشانند، پس علی علیه السلام فرمود: بدانید به خدا قسم من و این دو فرزندم یقیناً کشته خواهیم شد و بدون تردید خداوند مردی را که از فرزندان من است در آخر الزمان

برمی‌انگیزد که خونخواهی ما خواهد کرد و او حتماً از مردم پنهان خواهد شد برای مشخص شدن گمراهان در زمان غیبت، تا جایی که نادان بگوید: خدا را در آل محمد نیازی نیست.

الغیبة - ابن أبي زینب النعماني - ص ۱۴۳

ظلم مردم به خودشان:

از دیگر حکمت‌های غیبت امام زمان صلوات الله علیه ظلمی است که مردم به خودشان می‌کنند که در کتاب الغیبة نعمانی آمده است:

عن المفضل بن عمر قال قال أبو عبد الله عليه السلام خبر تدریه خیر من عشر ترویه إن لكل حق حقيقة ولكل صواب نورا ثم قال إنا والله لا نعد الرجل من شيعتنا فقیها حتی یلحن له فیعرف اللحن إن أمير المؤمنین علیه السلام قال علی منبر الكوفة إن من ورائكم فتنا مظلمة عمیاء منكسفة لا ینجو منها إلا النومة قیل یا أمير المؤمنین وما النومة قال الذي یعرف الناس ولا یعرفونه واعلموا أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل ولكن الله سيعمي خلقه عنها بظلمهم وجورهم وإسرافهم علی أنفسهم ولو خلت الأرض ساعة واحدة من حجة لله لساخت بأهلها ولكن الحجة یعرف الناس ولا یعرفونه كما كان یوسف یعرف الناس وهم له منكرون ثم تلا یا حسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول إلا كانوا به يستهزؤون

مفضل بن عمر گوید امام صادق علیه السلام فرمود يك خبر که آن را درك می‌کنی بهتر است از ده خبر که صرفاً آن را روایت می‌کنی، همانا هر حقی دارای حقیقتی است و هر کار درستی را نوری است، سپس فرمود و به خدا سوگند کسی از شیعیان خود را فقیه نمی‌شماریم تا اینکه به رمز سخنی به او گفته شود و او آن رمز را دریابد، همانا امیر المؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه فرمود: به راستی که فتنه‌هایی ظلمانی و کدر و تاریک پشت سر دارید که جز نومه کسی از آن نجات نمی‌یابد، به آن حضرت عرض شد ای امیر مؤمنان نومه چیست؟ فرمود آن کسی است که مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند و بدانید که زمین از حجت خدای عز و

جلّ خالی نمی‌ماند ولی خدای عزیز به زودی دیده خلقش را از او نایبنا می‌سازد به خاطر ظلم و جورشان و زیاده‌روی آنان نسبت به خودشان و اگر زمین يك ساعت از حجّت خدا خالی بماند اهل خود را فرو می‌برد، لکن آن حجّت مردم را می‌شناسد و آنان او را نمی‌شناسند، چنان که یوسف مردم را (برادرانش را) می‌شناخت و آنها او را نمی‌شناختند. سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ ما يَأْتِيهِمْ... ای دریغ بر بندگان، پیامبری بر ایشان نیامد مگر اینکه او را به مسخره می‌گرفتند.

الغیبة - ابن أبي زينب النعماني - ص ۱۴۴

غضب خدا بر امت:

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت غضب خداوند به مردم است؛ زیرا مردم با گناه و عدم تمسک به حجّت‌های الهی باعث خشم و غضب خداوند می‌شوند و این غضب با برداشتن نعمت حضور حجت الهی در میان مردم صورت می‌گیرد:

مرحوم کلینی از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند:

عن محمد بن الفرّج قال كتب إلي أبو جعفر عليه السلام إذا غضب الله تبارك وتعالى على خلقه نحانا عن

جوارهم

محمد بن فرج گوید: امام جواد علیه السلام به من نوشت: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی، بر خلقش

خشم کند، ما را از میان شان دور می‌کند.

الكافي - الشيخ الكليني - ج ۱ ص ۳۴۳

در روایت دیگری شیخ صدوق نقل می‌کند:

عن مروان الأنباري قال خرج من أبي جعفر عليه السلام ان الله إذا كره لنا جوار قوم نزعنا من بين

أظهرهم

مروان انباری گوید: از امام باقر علیه السلام نامه‌ای رسید که نوشته بود: همانا، خداوند، اگر دوست نداشته باشد که ما در کنار قومی باشیم، ما را از میان آن‌ها بیرون می‌برد.

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۴

خوف از قتل:

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت امام زمان صلوات الله علیه خوف از قتل ایشان است.

تجربه تاریخی این را نشان داده است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام همیشه به دنبال کشتن اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و در این راستا پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا سلام الله علیها و ۱۱ خلیفه و جانشین بر حق ایشان را به شهادت رساندند.

از آنجا که امام زمان وظایف سنگینی را به عهده داشته است؛ مثل این که باید ایشان زمین را پر از عدل و داد کند و حکومت عدل الهی را در سراسر جهان برقرار کند؛ لذا اگر ایشان حضور می‌داشتند و غیبت نمی‌کردند، تا فراهم شدن شرایط تشکیل حکومت بارها مورد سوء قصد قرار می‌گرفتند و یا حتی به شهادت می‌رسیدند و این وظیفه انجام نمی‌شد؛ لذا خداوند برای تحقق این وعده خود که زمین پر از عدل و داد خواهد شد، حجت خود را در زمین به وسیله غیبت از شر دشمنانش حفظ کرد تا در شرایط مقتضی ظهور کند و این مسؤلیت را به نحو احسن انجام دهد.

در روایات هم خوف قتل را به عنوان یکی از حکمت‌های غیبت شمرده‌اند.

شیخ صدوق در علل الشرائع نقل می‌کند:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا بد للغلام من غيبة فقيل له ولم يا

رسول الله قال يخاف القتل

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گریزی از غیبت برای غلام (اشاره به امام زمان صلوات الله علیه) نیست، عرض کردند: یا رسول الله برای چه غیبت می‌کند؟ حضرت فرمود: می‌ترسد او را بکشند.

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۳

در جای دیگر کتاب آمده است:

عن زرارة قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول إن للقيام غيبة قبل ظهوره قلت ولم قال يخاف وأومى

بيده إلى بطنه قال زرارة يعنى القتل

زراره گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: همانا برای قائم ما قبل از ظهورش غیبتی است، گفتم برای چه؟ فرمود: می‌ترسد و با دست به شکمش اشاره کرد، زراره گوید: مقصود قتل است (می‌ترسد او را بکشند)

علل الشرائع - الشيخ الصدوق - ج ۱ ص ۲۴۶

موفق و مؤید باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

(عجل الله تعالى فرجه الشريف)